



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۲ | آبان ۱۳۹۹

نوجوانان
جامعه



عطیه ضرابی



با تشکر از
فاطمه کریمی
و امین محمد
احدی

درباره نوجوانی که تجربه جدی در حوزه تولید برنامه تلویزیونی دارد

آقای کارآگاه در پشت صحنه!

اگر توفیق پیدا کردین و رفتین سر به برنامه تلویزیونی اونم از نوع زنده‌ش بدونین اونی که از همه بیشتر این ور و اون ور می‌دوئه و عرق از جبینش جاریه و حتی از کارگردانم همه چی رو پیگیری می‌کنه، یاتپیه کننده‌س یا دستیار سخت‌گیر محترم.

اتاق تاریک و پیرالتهاپ رژی یا همون اتاق فرمان خودمون، پر از مانیتوره که هر کسی پشت به سیستم نشسته و کار خودش رو می‌کنه. یکی فیلما رو پخش می‌کنه و یکی دوربینا رو از بالا به قول خودشون سوییچ می‌کنه و من از بین اون آدم‌ها دنبال همون دستیار تهیه‌کننده‌ای بودم که قاعدتا به جا بند نیست، آقای محمد امین اسلام‌پناه، دستیار تقریباً ده هشتادی تهیه‌کننده برنامه چاپ اول.

معجزه اعتماد

از هر چی بگذریم، اهمیت پشتیبانی خانواده به پای هیچ سازمان و فرد و روحیه و انگیزه شخصی نمی‌رسه! آگه خانواده آدم همراهش باشن و پابه پاش بیان و سنگ راهش نباشن، دنیا رو از نظر من گلستون می‌کنه! مثل خانواده آقای محمد امین که هیچ موقع برای شغل و آینده‌اش تعیین تکلیف نکردن و کاملاً فرمون رو دست خودش سپردن و مهم‌تر از همه بهش اعتماد کردن!

بندپ

قطعا اولین سوالی که برای همه پیش میاد اینه که به پسر ۲۰ ساله بدون پارتی چطور می‌تونه وارد کار حرفه‌ای بشه! آقای اسلام‌پناه به جواب خوب و قانع‌کننده به این سوال من داد که به قول بزرگترا باید با آب طلا نوشت؛ فضای رسانه، فقط و فقط نیازمند مهارته، اگر کسی صرفاً با داشتن پارتی و واسطه وارد این حیطه بشه، دووم خیلی کمی داره و همه خیلی زود می‌فهمن که چیزی بارش نیست!

چالش دل‌کندن از پتو

شاید خیلی از مادها هشتادیا، اصلاً ندونیم آسمون ساعت چهار صبح چه رنگیه؟! اصلاً مگه امکان داره که خواب ناز و پتوی گرم و نرم رو رها کنیم و کله سحر بزنیم به دل خیابون؟! اونم چی، واسه کار!

اما آقای محمد امین هر روز ساعت ۴ صبح باید از شیرینی تالنگ ظهر خوابیدن دل بکنه و بره سر برنامه چاپ اول، نه که سختش نباشه و اذیت نشه‌ها ولی بینین عشق با آدم چه‌ها که نمی‌کنه!

حالت بینابینی

امین اسلام‌پناه نمی‌دونه که دقیقاً ده هفتادیه یا جزو اعضای محترم ده هشتادی حساب میشه؟! چون سال ۱۳۷۹ متولد شده ولی بعضی از ویژگی‌های ده هشتادیا رو خیلی خوب می‌دونه، امین فکر می‌کنه نوجوونای ده هشتادی خیلی عجولن و می‌خوان راه صد ساله رو به شبه برن اما قطعاً جاه طلب نیستن، اون‌ها فقط برای رسیدن به آرزوهاشون عجله دارن (باور بفرمایید)، امین گاهی اوقات هم خودش این حس رو تجربه می‌کنه و حتی حس می‌کنه که داره درجا می‌زنه، مثلاً همین یه هفته پیش این حالتو داشت، ولی با کلی تلاش، سعی می‌کنه حق خودش رو از این دنیا بگیره!

اگر محمد امین رسانه نمی‌خواند

توی این قسمت نمی‌خوایم از عقاید سیاسی آقای اسلام‌پناه بخونیم، قراره از قسر در رفتنش از درس و دانشگاه با خبر بشیم. ایشون هیچوقت مشروط نشده اما بنابه دلیل وقت کمش برای خارش سربه علت زیاد بودن حجم کاری به ترم مرخصی گرفته و خیلی هم راضیه! انتخاب آقای محمد امین از اول مدیریت رسانه بود، اما با مشورتی که با اساتیدش داشته تصمیم بر این شده اول ارتباطات بخونه و بعد برای مدیریت تصمیم بگیره. اگر آقای اسلام‌پناه وارد فضای کار رسانه‌ای نمی‌شد، احتمالاً من الان داشتم با یه کارآگاه مصاحبه می‌کردم! یه کارآگاه آروم مرموز!

چوب معلم ار بود زمزمه محبتی...

نشست روی مبل، آنقدر آروم و کم حرف بود که بیچاره پیاده کننده صدا قطعاً اشکش درآمده. چند ماهی از من بزرگتره ولی سن تجربه کاری و کیفیت زندگی هر آدمی با سن و سال عمرش قطعاً فرق داره. ورود آقای اسلام‌پناه به دنیای رسانه به سال‌ها قبل برمی‌گردد، از اون پسرا بوده که توی دوران مدرسه کارای فرهنگی می‌کرده و با کار معلمای خویش بوده، اصلاً از همین طریق علاقه‌ش رو شناخته و پیگیر کار تولید برنامه شده. بله! اون لحظه بود که با خودم گفتم نمردیم و دیدیم به بار مدرسه روی پیشرفت یه نفر تاثیرگذار بوده.

دکمه کات

همه آدم‌ها نقطه شروع اتفاقات مهم زندگیشون رو تا آخر عمرشون یادشونه و براشون خاطره‌ست. از دیر رسیدن روز مصاحبه بگیر تا نذر و نیازای مادرانه. نقطه شروع آقای اسلام‌پناه، یه دکمه توی تدوین بوده، دکمه کات! تدوین رو از یکی از دوستای با مرامش یاد گرفته، (هشتگ: رفیق باب) و بعد از کنکور و رها شدن از درس و مشق، خیلی حرفه‌ای تریه کارش ادامه داده مثلاً برای برنامه‌های مختلف می‌ساخته. اتفاقاً کارنامه درخشانی هم داره که آخرین کارگردانی برنامه بازی ویزیونه که هنوز هم از شبکه امید پخش می‌شه!

راز بقا!

این همه خودمون می‌کشیم که یه دانشگاه خوب قبول بشیم، حتی آگه آبیاری گیاهان دریایی باشه و هیچ علاقه‌ای هم بهش نداشته باشیم ولی چون توی یکی از بهترین دانشگاه‌های کشوره پس می‌شه اولویت اول. تازه فضای کاری که بدتره، هر جا پول بیشتر می‌دن رو انتخاب می‌کنیم، البته بلا نسبت شما!

اما آقای محمد امین اصولاً انتخابش بر پایه علاقه‌ست، از این که رشته ارتباطات رو برای ادامه تحصیل انتخاب کرده بگیر تا موندگاری توی فضای تولید برنامه، البته معتقده مهارت و شیوه کار کردن هم اصلاً بی‌تاثیر نیست. شاید بعد از چند سال شکل و شیوه کارش فرق کنه اما همچنان تورسانه مشغوله و می‌خواد تهیه‌کننده بشه.

اندر حکایات جدی گرفته شدن

شاید فکر کنین سن آقای اسلام‌پناه باعث میشه که از طرف عوامل جدی گرفته نشه، البته این که تالان بهش نگفتن برو بابا، بچه‌جون تودیکه چی می‌گی خودش از عجایب جدی گرفته شدن توی جامعه‌ست. ولی آقای محمد امین پسریه که دوست داره با آدمای بزرگ‌تر از خودش بپره و رفت و آمد کنه و همیشه رابطه خوبی با همکاراش داشته. می‌گه خودتی که تعیین می‌کنی آدم‌ها چطور باهات برخورد کنن و این یعنی کم بودن سنش باعث عدم اعتماد اون‌ها به امین نشده، چون همیشه سعی کرده کارشو به بهترین نحو انجام بده.